

فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دوره سوم، سال ششم، شماره سوم و چهارم، پاییز - زمستان ۱۴۰۰ [انتشار: تابستان ۱۴۰۲]

سرسخن: بسی رنج درین سال سی / به احیای گنجینه پاریس • باقابه، پاتابه، پاتاره / علم‌نرف ساقی • یادداشت‌های شاهنامه‌شناسی (۳) / ابوالفضل غلصی • یادگار حضور امام رضا در مسجد جامع ساوه / صادالدين شيخ المکماي • رساله نخبة الوزراء تأليف نصرالله دمازندى / قاسم قرب • استدراکاتی بر مقدمه چاپ عکسی تاریخ سیستان (۲) / حمیدرضا بابک / سلمان، اثر سزی • دمنیان / دوشیان، دمنی / دومی / ج. ط. زند (سروش) • دیوان قزخی سیستانی با کتابت عبرت نایینی و حواشی ملک‌الشعراء بهار / محمود عالی‌پور • کتابه چهل‌ستون شاه عباس، سرورده محمد بیگ فرصت / لافله بوجار • تصحیح قصیده بازمانده از شعوری کاشانی در جنگ ابن‌خاتون / علی کلمی • واژه «لُخْم» / محسن ناکرالمصنی «بونده» • آیا کتاب گشایش و زهائش نوشته ناصر خسرو است؟ / محمدرضا نوکنی صابری • نقلی بر تصحیح کتاب بدایع اللع / میلاد یگدلو • نقلی بر تصحیح کلیات عبید زاکانی به تصحیح محمدجعفر محجوب / محسن تریفی ضمیر • نگامی به کتاب اقلیم مکتوب خدا / ریحانه بهبودی • پیشنهادی در جهت سامان‌دهی پایان‌نامه‌های حوزه تصحیح / سید محمدرضا ابرارالسود • آثار مصطفی عالی اقلندی / نصرانه صالحی • آنگ فلدزیویچ آکیموشکین (۱۷ فوریه ۱۹۲۹ - ۳۱ اکتبر ۲۰۱۰) / الکسی غیسانوین، ترجمه: محمادین کیوانی • گنج زری بود در این خاکدان؛ در گرمی داشت یاد و نام ی. ت. پ. دیروین (۱۹۳۱-۲۰۲۳) / علیرضا سیدغراب • نقلی بر نوشته علیرضا هاشمی زاهد درباره چاپ اخیر منظومه صراط‌المخط / علی صفوی آوندله



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
مطبع: مرکز اسناد و کتابخانه ملی
تهران - خیابان انقلاب
پلاک ۱۱۸۲



۹۶ - ۹۷

فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون،
نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دوره سوم، سال ششم، شماره سوم و چهارم
پاییز - زمستان ۱۴۰۰ [انتشار: تابستان ۱۴۰۲]

صاحب امتیاز:

مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

مدیر مسئول و سردبیر: اکبر ایرانی

معاون سردبیر و سرویراستار: مسعود راستی‌پور

مدیر داخلی: یونس تسلیمی پاک

طراح جلد: محمود خانی

چاپ دیجیتال: میراث

نشانی مجله:

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و
ابوریحان، ساختمان فروردین (شماره ۱۱۸۲)، طبقه دوم.

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲

دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir
gozresh@mirasmaktoob.ir

بها: ۶۰۰،۰۰۰ ریال

روی جلد: نگاره‌ای از کعبه در دستنویسی از شهنامه
سلطان سلیم، به شماره ۳۵۹۵ در مجموعه احمد ثالث
در کتابخانه موزه طویقایی سرایی، بی‌تاریخ. نسخه به
رسم خزانه کتب مرادخان بن سلیم خان (حک ۹۸۲ -
۱۰۰۳ ق) و در همین دوره کتابت شده‌است.

فهرست

سرخن

بسی رنج بردم درین سال سی / به احیای گنجینه پارسی ۵-۶

بستار

بافتابه/ بافتابه/ بافتاوه / علی‌اشرف صادقی ۷-۸

یادداشت‌های شاهنامه‌شناسی (۳) / ابوالفضل خطیبی ۹-۱۵

یادگار حضور امام رضا در مسجد جامع ساوه / عمادالدین شیخ‌الحکامی ۱۶-۱۸

رساله نخبة الوزراء تألیف نصرالله دماوندی / قاسم قریب ۱۹-۲۶

استدراکاتی بر مقدمه چاپ عکسی تاریخ سیستان (۲) / حمیدرضا (بابک) سلمانی؛ آرش سزی ۲۷-۲۹

دمنیان/ دومیان/ دمنی/ دومی / ج. ط. نژد (سروش) ۳۰-۳۱

دیوان فرخی سیستانی با کتابت عبرت نائینی و حواشی ملک‌الشعراء بهار / محمود علی‌پور ۳۲-۴۱

کتابچه چهل ستون شاه عباس، سروده محمد بیگ فرصت / فاطمه بوجار ۴۲-۴۸

تصحیح قصیده بازمانده از شعوری کاشانی در جنگ ابن‌خاتون / علی کاملی ۴۹-۵۲

واژه «رُخْم» / محسن ذاکرالحسینی «پزند» ۵۳-۵۷

آیا کتاب گشایش و رهایش نوشته ناصر خسرو است؟ / محمدرضا توکلی صابری ۵۸-۶۳

نقد و بررسی

نقدی بر تصحیح کتاب بدایع الملح / میلاد بیگلرلو ۶۴-۷۸

نقدی بر تصحیح کلیات عبید زاکانی به تصحیح محمدرضا جعفری / محسن شریفی صبحی ۷۹-۸۳

نگاهی به کتاب اقلیم مکتوب خدا / ریحانه بهبودی ۸۴-۹۲

پژوهش‌های دبایق

پیشنهادی در جهت سامان‌دهی پایان‌نامه‌های حوزه تصحیح / سید محمدرضا ابن‌الرسول ۹۳-۱۰۵

ایران در متون و منابع عثمانی (۳۴)

آثار مصطفی عالی افندی / نصرالله صالحی ۱۰۶-۱۰۸

آشنایی با نسخ‌نشان و متن پژوهان (۶-۷)

آلگ فدر ویچ آکیموشکین (۱۷ فوریه ۱۹۲۹ - ۳۱ اکتبر ۲۰۱۰) / الکسی خیسماولین؛ ترجمه: مجدالدین کیوانی ۱۰۹-۱۱۳

گنج زری بود در این خاکدان؛ در گرامی‌داشت یاد و نام ی. ت. پ. دبروین (۱۹۳۱-۲۰۲۳) /

علی‌اصغر سید غراب ۱۱۴-۱۲۳

دبایق نوشته‌های بهشتین

نقدی بر نوشته علیرضا هاشمی نژاد در باره چاپ اخیر منظومه صراط‌الخط / علی صفری آق‌قلعه ۱۲۴-۱۳۰



دکتر شهرام آزادیان

(هجدهم آذر ۱۳۵۲ - بیست و دوم تیر ۱۴۰۲)

درگذشت ناگهانی دکتر شهرام آزادیان، استاد دلسوز گروه ادبیات فارسی دانشگاه تهران، موجب دریغ و افسوس بسیار شد و همکاران و شاگردان او را در اندوهی گران فرو برد. گزارش میراث خود را در غم ایشان شریک می‌داند و برای خانواده و دوستان او آرامش و بردباری آرزو می‌کند.
یادش گرمی و روانش قرین آرامش باد.

دیوان فرخی سیستانی

با کتابت عبرت نائینی و حواشی ملک الشعراء بهار

محمود عالی پور

mahmoud.aalipour@yahoo.com

معرفی مختصر این نسخه، ضمن نقل یادداشت‌های مزبور به مقابله آن‌ها با دیوان فرخی سیستانی به تصحیح محمد دبیرسیاقی پرداخته و صحت و سقم تصحیحات محمدتقی بهار نیز نمایانده می‌شود.

این نسخه به قلم نسخ خفی به وسیله عبرت نائینی کتابت شده است. کاغذ نسخه از نوع فرنگی، عناوین با مرکب قرمز، شماره صفحات ۳۶۹ و اندازه آن ۲۲×۱۵ است (نقل با تلخیص؛ نک. راستکار، ۱۳۴۷: ۸/ ۱۷۰).

برخی از یادداشت‌های طولانی بهار با عبارات «هو» و «هوالله تعالی» شروع می‌شود و با ذکر نام و امضای او به اشکال «م.ب»، «م.بهار»، «بهار» و «ملک الشعراء بهار» ختم می‌شود. حواشی این نسخه به سه رنگ آبی، قرمز و سیاه نوشته شده است. گاهی کاتب برخی واژه‌ها را از قلم انداخته که به وسیله ملک الشعراء، با مرکب آبی در داخل متن، اصلاح شده است. از نسخه‌بدل‌های^۳ موجود در برخی از یادداشت‌ها در می‌یابیم که بهار هنگام مطالعه این نسخه، دست‌نویس‌های دیگری (احتمالاً دو دست‌نویس) از دیوان فرخی پیش رو داشته و نسخه مشا‌رئ‌الیه را با آن‌ها مقابله می‌کرده است.

علاوه بر این، ملک الشعراء برای نوشتن برخی یادداشت‌ها به کتاب‌هایی مراجعه کرده که در ضمن یا پایان هر یادداشت از آن‌ها نام برده است. کتاب‌ها از این قرارند:

۳. در میان نسخ خطی بهار به نسخه دیگری از دیوان فرخی سیستانی برخوردیم که گویا به قلم ملک الشعراء صبوری (پدر بهار) نوشته شده و مهر تملک «صبوری» بر صفحه نخست آن مشاهده می‌شود. این نسخه به شماره ۲۴۷۰ در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود و بهار نیز در حاشیه صفحات این نسخه یادداشت‌هایی به یادگار گذاشته است. به احتمال قریب به یقین یکی از نسخه‌بدل‌هایی که بهار در نسخه ما نحن فیه از آن استفاده کرده، همین دست‌نوشته صبوری است. در برگ ۱۲۲ پ از نسخه صبوری، یادداشتی از بهار دیده می‌شود که بسیار جالب توجه است و ایقان و اطمینان بهار را نسبت به تصحیح خودش آشکار می‌سازد. بهار ذیل بیت «شاهیست به کشمیر اگر ایزد خواهد/ امسال بارهم [در نسخه بدون نقطه با] یا کین بکشم زوی» نوشته است: «این مصراع را اصلاح کرده‌ام و از این کشف خودم مسروم (شاهیست به کشمیر اگر ایزد خواهد/ امسال نیارامم تا کین نکشم زوی) تصور نکنم اگر به نسخ صحیح رجوع شود عین «غیر» صحیح است. ویراستار این اصلاح دیده شود و اگر جز این باشد قطعاً غلط است و اصل شعر همین است که من درک کرده‌ام. کتبه ملک الشعراء بهار». در چاپ دبیرسیاقی نیز عین اصلاح بهار مشاهده می‌شود (فرخی سیستانی، ۱۳۷۱: ۳۶۵).

در کتابخانه مجلس شورای ملی نسخه‌ای از دیوان فرخی سیستانی با شماره ۲۴۷۲ موجود است. این دست‌نویس را عبرت نائینی به سفارش ملک الشعراء بهار کتابت کرده و تا پایان زندگی بهار، جزء نسخ خطی کتابخانه شخصی او بوده است. می‌دانیم که بهار به هنگام سفرهای اجباری (تبعید) و اختیاری خود نسخه‌هایی از متون کهن به همراه داشته که ضمن مطالعه، یادداشت‌هایی بر حواشی آن‌ها می‌نگاشته است. از جمله آن نسخ همین دیوان فرخی سیستانی است که بهار آن را به نکات ارزشمند تاریخی، انتقادی و متن‌شناختی محسسی نموده است.^۱ از آن‌جا که بهار جزء نخستین مصححان متون کهن (به شیوه مدرن) در ایران بوده است، مطالعه حواشی او بر نسخ خطی، می‌تواند در بررسی سیر تحول شیوه مختار او در امر تصحیح و نیز آگاهی از قدرت اجتهاد و درک متن‌شناختی او مؤثر باشد.^۲ علاوه بر این، می‌توان بر اساس برخی یادداشت‌ها به گوشه‌ای از سوانح زندگی بهار پی برد. در ادامه، پس از

۱. بر اساس تاریخ‌ها و اشاراتی که در برخی از یادداشت‌ها ثبت شده، می‌توان گفت که بهار این دیوان را در طول سال‌های مختلف (احتمالاً بین ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۴ خورشیدی) به مطالعه گرفته و بر آن حاشیه نوشته است.

۲. تاکنون مقالات چندی به بررسی حواشی نوشته شده به دست بهار بر نسخ خطی اختصاص یافته که از آن‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱. «بهار و تصحیح شاهنامه»، سجّاد آیدنلو، در: ارج نامه ملک الشعراء بهار، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۵: ۲. «حواشی ملک الشعراء بهار بر دیوان جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی»، مهرداد چترایی، آینه میراث، ش ۴۹، ۱۳۹۰: ۳. «یادداشت‌های ملک الشعراء بهار بر دیوان عنصری و دیوان منوچهری»، علی نویدی ملاطی، در: سخن عشق، جشن نامه دکتر حسن انوری، تهران: سخن، ۱۳۹۵.

جدول زیر نشان‌دهنده رموز و نشانه‌هایی است که بهار در یادداشت‌های خود به کار برده است:

ردیف	نشانه‌ها	مفهوم نشانه‌ها
۱	ظ	ظاهراً. جایی به کار رفته که بهار با حدس و گمان نظر داده است.
۲	ن ل/نسخه بدل	ذکر نسخه بدل.
۳	[خ م]	برای نشان دادن تقدیم و تأخیر دو بیت متوالی.
۴	[۱ ۲]	زمانی که میان دو بیت به وسیله بیت دیگری فاصله افتاده، بهار ترتیب ابیات را با این اعداد مشخص کرده است.
۵	ص/ص	نشانه تصحیح. جایی که عبارتی را تصحیح نموده است.
۶	۸	نشانه راده. بهار این نشانه را در متن، بالای واژه گذاشته و سپس در حاشیه با همین نشانه، یادداشت یا تصحیح خود را نوشته است.
۷	۷	نشانه راده. بهار از این نشانه تنها در یک مورد که بی‌تی را از کتاب دیگری در جزء ابیات فرخی سیستانی وارد کرده استفاده کرده است.
۸	استفاده از اعداد	برای ذکر نسخه بدل و یا نوشتن یادداشت، گاهی به جای نشانه‌های پیش گفته استفاده شده است.
۹	؟	جایی که بهار در صحت واژه‌ای که حدس زده تردید داشته است.
۱۰	رک/ر.ک	ارجاع به صفحه‌ای در همین نسخه یا ارجاع به منبع دیگری که بهار به آن استناد کرده است.
۱۱	X	برای نمایش جابه‌جایی مصراع‌ها در دو بیت متوالی.

یادداشت‌ها^۹

[۱۱-۱۱] خزان سپه‌به در باغ‌برد و تعبیه کرد
بدان نیت که کند خانه بهار خراب

۹. شماره‌های داخل چنگک به ترتیب (از سمت راست به چپ با ایجاد فاصله با خط تیره) نمایانگر شماره صفحه نسخه خطی و شماره صفحه دیوان مصحح دبیرسیاقی است. مطالبی که در این بخش می‌آید در برگزیده همه حواشی بهار نیست و راقم این سطور در نقل یادداشت‌ها، بیش‌تر بر مواردی تکیه دارد که تصحیح یا حدس و گمان‌های بهار را نشان می‌دهد؛ بنابراین از ذکر یادداشت‌هایی که در آنها فقط نسخه بدل ارائه شده و یا فقط واژه‌ای به‌طور مختصر معنا شده خودداری کرده است.

زین الاخبار گردیزی (چاپ برلین)، لغت فرس اسدی/ فرهنگ اسدی طوسی،^۴ شاهنامه فردوسی، تاریخ سیستان (نسخه خطی)، قابوسنامه، متن کتب پهلوی،^۵ تاریخ بیهقی،^۶ برهان قاطع، و امثال و حکم دهخدا (احتمالاً).^۷
در صفحه بدرقه نسخه، نوشته‌های پراکنده‌ای درباره مسائل تاریخی، لغوی و متن‌شناختی با ذکر عنوان «یادداشت» بر بالای آن‌ها دیده می‌شود. پس از آن در صفحه نخست نسخه،^۸ بهار این یادداشت را نوشته است:

بسم الله الرحمن الرحيم. این دیوان استاد فرخی سیستانی را آقای عبرت نوشته‌اند و قریب چهل و پنج ریال برای من تمام شده است. تا امروز کاملتر از این نسخه بدست نیامده است. تحریر ۱ تیرماه ۱۳۰۸. ملکا الشعراء [امضا]

انجامه نسخه بدین شرح است (ص ۳۶۹):

برحسب فرمایش یگانه ادیب دانشمند اوستاد سخن ملکا الشعراء بهار خراسانی نماینده دارالخلافه طهران نبشته شد، بید اقل الکتاب محمدعلی عبرت مصاحبی نائینی و کان الفراغ من تسویده یوم السبت اول جمادی الثانیه سنه ست و اربعین و ثلثمائه بعد الالف من الهجرة.

۴. بهار در جایی از نسخه از این کتاب با عنوان «لغات [کذا] فرس اسدی» و در جای دیگر با عنوان «فرهنگ اسدی طوسی» یاد کرده است.
۵. رک. نسخه ما نحن فيه، ص ۱۷/گ ۸۵. بهار دقیقاً اشاره نکرده که از کدام متن پهلوی استفاده کرده است.

۶. از کتاب تاریخ بیهقی نسخه‌ای در اختیار محمدتقی بهار بوده که در سال ۱۳۱۶ خریداری کرده است. این نسخه را داود بن میرزا محمدتقی همدانی در سال ۱۲۹۶ هـ برای میرزا محمد لشکرنویس باشی کتابت کرده است. از اشارات و حواشی بهار می‌توان احتمال داد که او قصد تصحیح این کتاب ارزشمند را نیز داشته است، زیرا در حواشی صفحات نخست نسخه به معرفی و نام‌گذاری نسخ بدل و نیز شماره‌گذاری عبارات در داخل متن و تصحیح و ذکر نسخه بدل در حاشیه با همان شماره‌ها، به شیوه نوین و امروزی، پرداخته است. بهار در ظهر نسخه یادداشتی درباره شیوه کتابت کتاب نوشته که جهت آشنایی با آرای انتقادی او درباره دانش نسخه‌شناسی و تصحیح متون قابل توجه است: «این نسخه شریف... اگرچه مشحون از اغلاط است لکن معهدا برای کار تصحیح تاریخ بیهقی بد نیست و حسن آن در همین است که کتاب بی‌سواد بوده و از خود تصرفی در عبارات ننموده است. حرره ملکا الشعراء بهار غفر له». این نسخه به شماره ۳۱۳۹ در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود و در مقدمه طبع یاحقی و سیدی با نشانه Q معرفی شده است (نک. یاحقی - سیدی، ۱۳۸۸: صدوهجده - صدویست).

۷. ملکا الشعراء در صفحه ۳۶۸/ برگ ۱۸۴ نسخه مشارالیه، ذیل دو مثل، نام دهخدا را نوشته و به احتمال زیاد از کتاب امثال و حکم دهخدا بهره برده است. کتاب امثال و حکم نخستین بار در سال ۱۳۱۰ به چاپ رسیده است.
۸. شماره صفحات در نسخه به‌دست کاتب گذاشته شده است.

بهار چشم چو بگشاد خویشتن را دید
به دست دشمن و خانه شده خراب و بیاب

- هو. این دو شعر با حال بهار مناسب است زیرا خبر آمد که از شدت بارندگی در این ماه باغ و خانه من در طهران خراب شده است. بهمن ۱۳۱۲ اصفهان. بهار^{۱۰}

[۱۸-۱۸] تا سر آنان چو گیا بدروی
کایشان گویند جهان چون گیاست

- گردیزی گوید:^{۱۱} چون علی حاجب آنجا رسید لشکر تعبیه کرد... و هم بر آن تعبیه شدند تا در ری و چون خبر به امیر ری شاهنشاه مجدالدوله ابوطالب رستم بن فخرالدوله رسید پنداشت امیر محمود به تن خویش آمده است. پس ابوطالب با صد سوار از حشم و خویشان... برون آمد و با پیاده چند... و چون حاجب علی او را بدید کس فرستاد و گفت فرود باید آمد تا پیغامی که دارم بگذارم (کذا). در وقت مجدالدوله رسید تا خرپشتهها و خیمهها بزدند و فرود آمدند و علی حاجب فرمود تا درهای شهر بگرفته و هیچ کس را رها نکردند... تا خبر مجدالدوله پوشیده بماند و علی حاجب او را اندران خرپشته موقوف کرد و سلاحی که با وی آورده بودند همه را بستد و ابوطالب چهار روز اندران خیمه موقوف بود و حاجب علی سوی امیر یمن الدوله نامه نوشت... جواب باز آمد. پس ابوطالب را با شست [کذا] مرد دیگر بر سر اشتر نشانند و به نزدیک امیر محمود فرستاد و امیر محمود فرمود او را سوی غزنین بردند و تا آخر عهد آنجا بمانند... و امیر محمود به ری آمد و شهر بگرفت... و چنین خبر آوردند امیر محمود را رحمه الله که فرمود شهر ری و نواحی آن مردمان باطنی مذهب و قرامطه بسیارند، بفرمود تا کسانی را که بدان مذهب متهم بودند حاضر کردند و سنگریز کردند و بسیار کس را از اهل آن مذهب بکشت و بعضی را بست و سوی خراسان فرستاد، تا مردند اندر قلعهها و حبسههای او بودند... و فتح ری اندر جمادی الاولی سنه عشرين و اربعمائه بود. انتهی^{۱۲}

فرخی نیز گوید: [بیت مزبور را آورده است] مراد مذهب زنداچه است که گویند مردم چون گیا بروید و بمیرد و حشر و نشر گزافه است. و خراسانیان مردم شیعه و فلاسفه را بدین عقیدتها تهمت نهادندی و آنان را باطنی و قرمطی خواندندی و بقول فرخی دو بیست دار را در شهر ری بر آوردند و دو بیست تن از بزرگان و حکما و فلاسفه را محمود آن روز به دار کرده و سنگسار ساخت و به موجب تواریخ دیگر جمعی از مشاهیر حکما و ریاضی دانان در آن روز به دست تعصب محمود نابود شدند.

[۱۹-۱۹] ملک ری از قرمطیان بستندی
میل [تو] اکنون به منا و صفاست

عبرت نائینی فراموش کرده «تو» را در متن بنویسد و ملک الشعرا با مرگبِ آبی بالای بیت افزوده است.

[۲۰-۲۰] تو چو سلیمانی و ری چون سبا
حاجب تو آصف بن برخیاست

- این حاجب علی قریب است که سال دیگر بعد از مرگ سلطان محمود به دست سلطان مسعود حبس شده و در آن حبس نابود شد و به جزای اعمالی که در ری از او سر زد رسید. (و ابوطالب مجدالدوله را هم در این سال گویا در غزنین کشته باشند زیرا در سال بعد دیگر ذکری از وی در تاریخ نیست) [بهار روی این جمله اخیر خط کشیده و سپس با مطلبی از تاریخ گردیزی آن را اصلاح کرده است] ← بعد از مراجعه به گردیزی (زین الاخبار) دیده شد که گوید: و امیر^{۱۳} بفرمود تا ابوطالب رستم مجدالدوله را از هندوستان بیاوردند و او را پیش خویش خواند و نیکوی گفت و فرمود تا هم به غزنین از بهر او جای ساخته و مثال داد تا به هر وقت به خدمت درگاه آید و تا آخر به غزنین بود. ص ۹۷ چاپ برلین.

[۲۳-۲۴] دایم صلاح خواجه هوا پادشاه را
کاندر هوای شاه دل خواجه چون هواست

- ظ: هوا باد

بهار بر این بوده که «پادشاه را» مصحّف «باد شاه را» است (دبیرسیاقی: هوای ملک بود). شاید حدس بهار مبتنی بر این

۱۳. مراد امیر ناصر الدین مسعود بن محمود غزنوی است. در تصحیح عبدالحی حبیبی عبارت «ناصر دین الله» پس از «امیر» وجود دارد (نک. گردیزی، ۱۳۴۷: ۱۹۷).

۱۰. از این یادداشت، علاوه بر آشنایی با یکی از سوانح زندگی ملک الشعراء، متوجه می شویم که او هنگامی که در اصفهان در تبعید به سر می برده به خواندن این دیوان مشغول بوده است.

۱۱. از اشاره ای که بهار در بخش دیگری از نسخه کرده درمی یابیم که او از کتاب زین الاخبار (چاپ برلین) در این یادداشتها بهره برده است (نک. ص ۲۰ نسخه). بنا بر گفته قزوینی، حدود یک چهارم کتاب زین الاخبار در مطبعه ایرانشهر برلین به وسیله محمد ناظم [هندی] چاپ شده بود (رک. قزوینی، ۱۳۹۱: ۱۹۶-۱۹۷). بنا بر گفته حبیبی، این چاپ (برلین ۱۹۲۸م) در سال ۱۳۱۵ش در تهران نیز به چاپ رسیده است (رک. حبیبی، ۱۳۴۷: ۵).

۱۲. کلمه آخر با تردید قرائت شد.

معنی است: دائماً صلاح خواجه در هواداری از شاه باشد.

[۲۴-۲۵] اندک است این ز فضل او هر چند

کس نگفته است کاندکیش چراست

۲ آن خواجه غریبتر که از او

خدمتی را هزار گونه جزاست

بهار با نوشتن دو نشانه «خ» و «م» در ابتدای ابیات نشان داده است که این دو بیت در ساختار عمودی قصیده باید جابه جا شوند. این دو بیت در چاپ دبیرسیاقی نیز همانند نسخه و بدون جابه جایی ابیات مشاهده می شود، ولی به نظر نگارنده، با توجه به سیاق قصیده و بیتی که در قصیده قبل از این ابیات قرار گرفته، حدس بهار احتمالاً درست است. در بیت قبل، فرخی می گوید: «نیکویی را ثواب هفتادست/ از خدا و برین رسول گواست» (همانجا)، بنابراین در بیت سپسین، فرخی به مقایسه فضل و بخشش ممدوح با خداوند پرداخته و جزای اندک خدمتی برای ممدوح را نه هفتاد ثواب، بلکه هزار گونه ثواب می داند.

[۲۶-۲۷] ۱ مهتران سپهی عاشق مهر و درمند

بس درمهای درست است و برین قول گواست

مرد را خدمت یکروزه آن بارخدای

گرچه مسرف بود و مفرط صدساله نواست

۲ دل خواجه ست که هرگز نگراید به درم

دل خواجه نه دلستی که همانا دریاست

بهار با گذاشتن شماره ۱ و ۲ در ابتدای ابیات اول و سوم، به درستی جایگاه و ترتیب ابیات را در قصیده مشخص کرده است. این ابیات در چاپ دبیرسیاقی همانند تصحیح بهار مرتب شده است.

[۲۶-۲۷] نامه ای کردسوی خواجه سید که بفضل

شغل آن کار کفایت کن [کان] کار تراست

واژه مشخص شده در نسخه نبوده و بهار آن را با مرگب آبی به مصراع افزوده است.

[۲۶-۲۷] هم ز بهر ضعفا حال خداوند بسا

- ظ: مال

در چاپ دبیرسیاقی هم «مال» آمده است. حدس بهار در

این بیت نیز درست است.

[۲۷-۲۸] دیدن ماه نوو عیدیه توفرخ باد

- ص: بدو

دبیرسیاقی هم «بدو» دارد. با توجه به ابیات قبل، ضمیر باید سوم شخص غایب باشد و تصحیح بهار از این جهت درست است.

[۳۰-۳۲] چگونه هول حیوانی ز بالادر زیان پیلی

- ص: حیوانی و بالاور

دبیرسیاقی: «حیوانی چو بالاور». بهار صورت غلط «بالادر» را به «بالاور» تصحیح کرده است.

[۳۰-۳۳] به تن بر پوست چون بینی ورا برگستوان دارد

که دید آن جانور کورا به تن برگستوان باشد

- ص: ز تن

دبیرسیاقی: به تن.

[۳۰-۳۳] بداندیش ورا از تیغ وی آن رستخیز آمد

که فردا بر دلیل مصر و بر قومش همان باشد

- ص: ذلیل مصر، مقلوب مضمون عزیز مصر.

دبیرسیاقی: خدیو مصر.

[۳۱-۳۵] به ره ز دریا بگذشت و آب دریا را

چو آب جیحون بی قدر کرد خسرو وار

- ص: خسرو راد

دبیرسیاقی: «... و جسر گشاد». در نسخه بدل های دبیرسیاقی همگی «خسرو راد» ضبط شده است (رک. همانجا). قافیه قصیده مختوم به حرف دال است و عبرت نائینی در کتابت این بیت به حرف قافیه توجه نکرده است.

[۳۱-۳۵] همه بیابان زان روشنائی آگه شد

چو جان آذر خور داد داد از خور داد

- ظ: چو جای آذر خور داد از آذر خور داد. آذر خور داد

بزرگترین آتشکده فارس بوده که مختص مغان و موبدان بوده است و نام اصلی آن آذر فرّه بیغ یا آذر فرن بیغ است، یعنی آذر فرّه ایزدی، و بعدها آذر خوره و بالاخره آذر خور داد شده است. مراد آن است که همه بیابان از آن روشنائی آگاه

شد، مانند محل آتشکده خورداد از شعاع آن آتشکده. در نسخه دیگر حقیر^{۱۴} چو جان آذر...^{۱۵} از آذر خورداد است. رک ص ۳۹. ۱۶ م بهار

دبیرسیاقی: «چو جان آذر خورداد ز آذر خرداد». باتوجه به توضیحات بهار به نظر می‌رسد که حدس او چندان دور از صواب نباشد.

[۳۵-۳۲] همه کرامت از ایزدهمی رسید بوی

بدان زمان که کم از بیست ساله بود به زاد

- ظ: بیست ساله بود به داد. چه داد به معنی عمر آمده و در پهلوی سن داد به معنی کثیر السن است ولی زاد به معنی سن و سال نیامده. به علاوه در دو سه شعر^{۱۷} پیش کلمه تازی زاد آمده و قرخی تکرار قوافی غالباً ندارد. م. بهار

باید گفت که بر خلاف نظر بهار، در متون ادبی واژه «زاد» بارها در معنای سن و سال آمده است. برای آگاهی از معنای این واژه و مشاهده شواهد آن بنگرید به لغت نامه.

[۳۶-۳۲] وان کز تن او هرگز کم خواهد موئی

در حیرت و اندیشه چنو ایلک و خان باد

- ظ: چون ایلک- چنان ایلک، زیرا چنو در این مورد از جمله مستحدثات متأخران است.

دبیرسیاقی: چنان ایلک و خان باد. ملک الشعراء در این باره نیز به درستی حدس زده است.

[۳۷-۳۳] هر ماه به شهری علم شاهی و شاهان

زیر سم اسبان نش نگون باد و ستان باد

- ظ: علم شاهی و شاهی

دبیرسیاقی: علم شاهی شاهان.

[۳۹-۳۵] هر روز مرا عشق نگاری به در آید

- ص: به سر آید

دبیرسیاقی: بسر آید. تصحیح بهار با توجه به مفهوم کلی بیت و بسامد بالای تعبیر «عشق به سر آمدن» در متون ادبی،

۱۴. این کلمه با تردید قرائت شد.

۱۵. نقطه‌ها از خود بهار است.

۱۶. ارجاع بهار به صفحه ۳۹ از همین نسخه است.

۱۷. بهار در یادداشت‌های این نسخه همیشه «شعر» را به جای «بیت» به کار برده است.

درست است.

[۳۹-۳۵] دل چون سپری گردد اندوه ندارم

گر کوه احد برفتد و بر جگر آید

بهار با گذاشتن علامت راده بر این بیت در حاشیه نوشته است: «اندوهم از آنست که یکروز مفاجا/ آسیبی ازین دل بفتد بر جگر آید». سپس این گونه توضیح داده است:

بیت فوق در لغات فرس [کذا] اسدی طوسی ذیل لغت آسیب ثبت شده و در نسخه‌ای که من نیز^{۱۸} بدان رجوع کردم [م]، بعد از دل لفظ بفتد عیناً ضبط شده و شاید درست نباشد و از فحوای شعر قبل که راده گذارده شده معلومست که جایش همین جاست، زیرا در آن شعر گوید اگر دل سپری شود اندوه ندارم پس لابد بایستی اندوهم از جای دیگر باشد و آن در این بیت است که دیده می‌شود و قافیۀ شعر (برفتد و بر جگر آید) درست نیست و گویا نیمه آخر مصراع شعر ما نحن فیه را در آخر مصراع شعر متن گنجانده‌اند و <...>^{۱۹} مطالعات <...>^{۲۰} که غلط اصلاح شود. م ب

دبیرسیاقی هم در پانویس تصحیح خود به همین نکته اشاره کرده است.

[۴۰-۳۶] هر که بود از یمین دولت شاد

دل به مهر جمال ملّت داد

عنوان قصیده در نسخه چنین است: «در تهنیت جلوس سلطان مسعود و تعزیت سلطان محمود». بهار با توجه به لقب «جمال ملّت» در مصرع دوم، به درستی ممدوح این قصیده را تشخیص داده و گفته است: «هو. این قصیده در مدح و تهنیت جلوس جلال الدوله و جمال الملّه ابواحمد محمد بن محمود است و لقب مسعود ناصر دین الله ظهیر خلیفه الله ابوسعید مسعود می‌باشد (زین الاخبار گردیزی)». در چاپ دبیرسیاقی هم عنوان قصیده در تهنیت جلوس سلطان محمد ضبط شده است. در ادامه بهار به بیت ششم این قصیده، یعنی بیت «هر چه ویران شد از تغافل من/ جهد کن تا مگر کنی آباد»، اشاره کرده و گفته است: «شعر ششم جنبه تاریخی دارد، زیرا مصرح است که این وصیت از

۱۸. این کلمه با تردید قرائت شد.

۱۹. ناخوانا.

۲۰. ناخوانا.

[۱۵۵-۱۸۳] زمانی قصه مسعودی آرم
زمانی قصه بولا هر خر
مگر دل خوش کند لختی بخندد
گذارد از من این ناخدمتی در

- هو. این مسعودی معلوم نشد کیست و بولا هر خر هم گویا مراد از هر خر از منسوبان یعقوب لیث صفار باشد که داستانهای او را تاریخ سیستان مکرر ذکر کرده است. در قابوسنامه هم حکایتی از او و عمرولیت آمده است و اینجا شاید به جای ازهر، بولا زهر گفته شده باشد؟ بهار. دقیقی هم در شعری اشاره به ازهر می‌کند: به آب گرم در مانده است پایم/ چو در زرفین در انگشت ازهر. نقل از تاریخ سیستان نسخه خطی نگارنده.^{۲۳} بهار

دبیرسیاقی: پولاد جوهر. او در پانوشت به نقل از دهخدا گفته است: «استاد دهخدا احتمال داده‌اند قصه بوذاسف بلوهر و یا زلفین و ازهر باشد و هر دو حدس بکلی صائب می‌نماید». با توجه به محتوای قصیده و بیت دوم، نظر بهار صحیح است؛ زیرا فرخی قصد دارد با گفتن قصه مسعودی و ازهر خر ممدوح را بخنداند و اوقات او را خوش کند تا ممدوح نیز ناخدمتی او را نادیده بگیرد. ازهر خر به شوخ طبعی مشهور بوده و در کتاب اخبار الحقمی و المغفلین با عنوان اظهر الحمار از او یاد شده است (ابن جوزی، بی تا: ۴۸-۴۹).

[۱۷۴-۲۰۴] عشقبازی کن و سیکی خور و برخند بر آن
که ترا گوید سیکی مخور و عشق مبارز
- ط: می‌خند

دبیرسیاقی: برخند.

[۱۷۴-۲۰۵] آنکه برکنند به یک حمله در قلعه تاغ
آنکه بگشاد به یک تیر در ارگ زرنگ

- طاق: مراد حصار طاق سیستان است و زرنگ هم شهر زرنج است که پایتخت سیستان بوده و این شعر اشاره

۲۳. از آنجا که نسخه خطی تاریخ سیستان در سال ۱۳۰۴ به وسیله بهار خریداری شده (رک. بهار، ۱۳۱۴: الف) و پس از تصحیح در سال ۱۳۱۴ به چاپ رسیده، می‌توان احتمال داد که نسخه ما نحن فیه - یعنی دیوان فرخی سیستانی - حداقل تا قبل از سال ۱۳۱۴ به وسیله بهار مطالعه و محشی می‌شده است؛ زیرا پس از این تاریخ تاریخ سیستان چاپ شده و بهار می‌بایست به نسخه چاپی آن ارجاع می‌داد نه نسخه خطی آن.

محمود است. به علاوه گردیزی گوید [...] و بفرمود (محمد) تا نگاه کردند و هر جای که خراب بود و سبب خراج آن بر خداوندان جای رنج بود آن خراج را نظر کرد، الخ»^{۲۱}.

[۳۷-۴۲] ای دل من ترا بشارت باد

که ترا من به دوست خواهم داد

عنوان قصیده در نسخه به اشتباه «در مدح احمد بن حسن میمندی» ضبط شده که بهار در حاشیه و بر اساس محتوای قصیده و بیت تخلّص آن، ممدوح قصیده را «خواجه عبدالرزاق پسر احمد میمندی» دانسته و همین عنوان صحیح است.

[۳۸-۴۲] تانگویی که مرمران فرست

که نه کس دل بدوست نفرستاد

- ص: مفرست

دبیرسیاقی: مفرست.

[۳۸-۴۲] تاز بیداد چشم او برهی

از لب لعل او بیابی داد

- ص: وز

دبیرسیاقی: از. ضبط بهار درست است. دو مصرع از نظر معنایی باید پیوسته خوانده شوند.

[۱۲۹-۱۵۲] بخندد همی بر کرانه‌های راه

به فصل زمستان گل کامکار

- هو. گل کامکار به قول گردیزی^{۲۲} گلی است سرخ که منسوبست به مردی از دهقانان و بزرگزادگان مرو که از فرزندان یزدگرد شهریار بوده است و این گل را او پیدا کرده و رواج داده است و احمد بن سهل مروزی که از امرای بزرگ سامانیان و در ری و طبرستان و خراسان امارت کرده است نبیره این مرد است. فردوسی در داستان کشته شدن رستم گوید: یکی مرد بد نامش آزادسرو/ که با احمد سهل بودی به مرو؛ و مراد همین احمد است.

۲۱. برای آگاهی بیش‌تر رک. گردیزی، ۱۳۴۷: ۱۹۴.

۲۲. «و این احمد بن سهل از اصیلان عجم بود و نبیره یزدجرد شهریار بود، و از جمله دهقانان] جیرنج بود که از دیه‌های بزرگ مرو است. و جد احمد کامگار نام بود، و به مرو گلی است که برو بازخوانند گل کامگاری، گویند بغایت سرخ باشد» (همان: ۱۵۱).

است به فتح سیستان و انقراض خاندان خلف بن احمد صفاری در سال ثلث و تسعین و ثلاثماه ۳۹۳. حرره م. بهار غفرله.

[۱۷۴-۲۰۵] آنکه زیر سم اسبان سپه خرد بسود به زمانی در و دیوار حصار پشلنگ

- پشلنگ و فشلنگ قلعتی بوده است بر زبر کوه غور که محمود آن را بگشاد.

[۱۷۵-۲۰۶] از پی خدمت توتا تو ملک صید کنی به نهاله گه توراند به نخجیر پلنگ

- ص: راند نخجیر پلنگ

ضبط دبیرسیاقی مانند تصحیح بهار است.

[۱۷۵-۲۰۶] روز و شب در بر تو کودک بالنده چوسرو سال و مه در کف تو باده آسوده چورنگ

- ص: زنگ

دبیرسیاقی: زنگ.

[۱۷۷-۲۰۸] به آب چشمه نگشت آنچه سنگ نرم و مرا به آب چشم همی نرم کرد باید سنگ

- ص: ایچ

در تصحیح دبیرسیاقی هم ضبط «ایچ» مشاهده می شود و همین ضبط درست است.

[۱۷۷-۲۰۸] مخالفان چو کلنگند و او چو باز سپید شکار باز بود ورچه مه ز باز کلنگ

- هو. در مدایح محمد بن محمود غالباً اشاره ای به مسعود دارد، زیرا مسعود قوی جثه و محمد باریک اندام بوده است و این نکته در غالب مدایح وی رعایت شده است. بهار

[۱۸۶-۲۱۹] تا خزان تاختن آورد سوی باد شمال همچو سرمازده با زلزله گشت آب زلال

- ظ: در مدح ابوالمظفر چغانی است.

بهار در صفحه ۱۸۷ نسخه درباره این قصیده نوشته است:

سبک این قصیده با سایر اشعار فرخی برابر نیست. جز آنکه در اوایل سن گفته شده باشد و ظاهر امر هم همین حکم را می کند، زیرا در مدح شاه چغانی است.

[۱۸۶-۲۱۹] گر حرام است از آنست که خونست نه حق حق آن خون بمعنی برسانیم از مال

- ظ: بمعنی

دبیرسیاقی: به مغنی. حدس بهار این جا نیز صحیح است.

[۱۸۸] خانه خالیست ز خصم ای صنم مشکین خال رای رامش کن و تدبیر می و لهو سگال

بهار در حاشیه این بیت نوشته است: «این قصیده در دیوانها نبود و به توسط من بنده معرفی شد و بعدها معلوم شد که از لامعی است».

[۱۸۹-۲۲۱] تا چو بر دار مخالف سنگها بی مر شود اهل بدعت سرتابد از مخالف قال و قیل

- ظ: خلاف و

دبیرسیاقی: سرتابند از مخالف قال و قیل. ضبط بهار درست است، زیرا «خلاف» مصدر است و به معنی مخالفت کردن. منظور این است که اهل بدعت از مخالفت و قال و قیل سر می تابند و منصرف می شوند.

[۲۲۱-۲۶۲] سست گشته پای خان اندر رکیب خشک مانده دست ایلک بر عنان

- هو. اشاره به جنگی است که در روز یکشنبه بیست و دوم ربیع الاخر سنه ثمان و تسعین و ثلاثماه بر در بلخ در دشت کتر میانه محمود و ایلک خان روی داد و ایلک در آن کارزار شکست خورد.

[۲۲۳-۲۶۵] کس بود کو ز پیش برادر برای تخت آنجا نهاد روی و بدانجا فکند امید بگذاشت مال و و ملک ز بس کرد سوزیان کانجا وفا کنند امید جهانیان

- اشاره به ابوالفوارس بویه است که در سنه ثلث و اربعماه از کرمان به بست به نزدیک امیر محمود آمد به زینهار از برادر خود ابوشجاع، و سه ماه به غزنین بود و سلطان میان او و برادرش را به صلاح باز آورد و ابوالفوارس به کرمان رفت و ایمن بنشست.

[۲۵۰-۲۹۴] بر آرزوی کف راد او ز کان گهر گهر برآید بی کوه کان و بی میتین

- ظ: کوه‌کاو

ضبطِ دبیرسیاقی «کوه‌کاف» است. مشاهده می‌شود که حدس بهار در این بیت نیز صائب بوده است.

[۲۹۴-۲۵۰] چنان خوش آید بر گوش تو سؤال کجا

به گوش مردم دل‌مُرده بانگ رود حزین

- ظ: دل‌بُرده به معنی دل‌داده.

دبیرسیاقی: دل‌مُرده. به نظر حدس بهار درست باشد، زیرا بانگ رود در انسان دل‌مُرده تأثیری نمی‌گذارد، بلکه عاشقِ دل‌بُرده است که با شنیدن آواز رود دگرگون می‌شود.

[۲۹۵-۲۵۱] ای سخت‌کمانی که خدنگ توز پولاد

زانسان گذرد کز دل بدخواه نفرین

- ظ: بدخواه تو

دبیرسیاقی: بدخواه تو.

[۲۹۵-۲۵۱] آماج تو از بست بود تا که به پنجاب

پرتاب تو از بلخ بود تا به فلسطین

- ظ: تاب‌سپنجاب

دبیرسیاقی: تا به سپنجاب. سپنجاب و اسپنجاب از شهرهای ترکستان است. در این بیت نیز احتمال بهار دور از صواب نبوده است.

[۳۰۱-۲۵۶] دشمن از شمشیر او ایمن نباشد و ر بود

در حصار ی گرد او از ژرف دریا پارگین

- پارگین با کاف فارسی بر وزن آستین. گوی را گویند که آب‌های کثیف و چرکین همچو ریزاب حمام و مطبخ و امثال آن بدانجا رود و آب گندیده و بدبوی را نیز گفته‌اند و معرّب آن فارقین است. ولی از معنی این شعر و استعمالات سایر کتب قدیمه چنین مستفاد می‌شود که خندق دور شهر و حصار را هم پارگین گفته‌اند، زیرا آب‌های راکد غالباً در آنجا جمع می‌شود و اختصاص به قول برهان^{۲۴} ندارد. ملک‌الشعرا بهار، ۱۳۰۸ شمسی

۲۴. منظور برهان قاطع است. بهار معنای واژه پارگین را از این کتاب عیناً نقل کرده است (رک، برهان، ۱۳۹۳: ۳۵۱/۱). نقل قول بهار از این کتاب تا پایان جمله «معرّب آن فارقین است» بوده و بقیه جمله نظر شخص اوست.

[۳۳۲-۳۸۸] هرچه ناکرده بمانده ست ترا

در بر او کن و او را فرمای

- ظ: در سِر او کن، یعنی به عهده امیر یوسف واگذار.

دبیرسیاقی: در بر او کن. با توضیحی که بهار داده است و با توجه به کاربرد عبارت فعلی «در بر کردن» برای جامه‌ها (در متون قدیم)، به نظر می‌رسد که حدس او صحیح باشد.

[۳۵۲-۴۱۴] دو سه روزی به یک جا ساخته چون ارغنون باید

سرود مطرب ساده همواره رهنمون باید

- ظ: دو سه رودی. مراد اجتماع چند ساز و به اصطلاح

امروز ارکست است که آواز ارغنون از آنها برخیزد.

دبیرسیاقی: دو سه رودی.

[۳۵۴-۴۲۱] حدیث تو همه با دشمنانش داد و ده باشد

جواب تو مر ایشان را به هر گفتار نه باشد

- دار و ده

دبیرسیاقی: دار و ده.

[۳۵۵-۴۲۳] به آتش ماند اندر جنگ تیغ آب‌رنگ تو

خداوند آب گردانید آتش را به چنگ تو

- اندر چنگ

دبیرسیاقی: اندر جنگ. با توجه به مصراع دوم، آنچه ملک‌الشعراء تصحیح نموده درست است.

[۳۵۶-۴۲۴] چو عبدوی فلان رضوان به در دربان تو بودی

درخت طوبی اندر ساحت میدان تو بودی

- ظ: عبدوس کلان. عبدوس به قول بیهقی حاجب محمود

و مسعود بوده است و مراد آنکه مانند عبدوس که حاجب

است رضوان بهشت هم ترا حاجب و دربان شود.

دبیرسیاقی: چو هندوی فلان. با توجه به توضیح بهار می‌توان گفت که حدس او صحیح است. علاوه بر این، قرابتِ شکلِ نوشتاری «عبدوس» و «هندوی» این نکته را به ذهن نزدیک می‌سازد که احتمالاً کاتبی که «هندوی» نوشته، دچار بدخوانی و تصحیف شده است.

[۳۵۷-۴۲۷] از نوای مرغ گوئی خواجه سید به باغ

مطرب پنجاه را چون خسرو پرکار کرد

- ظ: مطربی پنجاه را چون خسروان برکار

دبیرسیاقی: مطربی پنجاه را چون خسروی بر کار کرد.

[۳۵۷-۴۲۷] ماه فروردین جهان را از در دیدار کرد

ابر فروردین زمین را پر بت فرخار کرد

- هوالله تعالی. ظاهراً بمدوح فرخی درین قصیدت غزاً
بوالحسن علی بن الفضل المعروف بالحجاج پسر وزیر
ابوالعباس فضل بن احمد است که اولین وزیر سلطان
محمود بود و در نتیجه توفیرات عمل خراسان معزول
ومصادره گشته در زیر شکنجه مرد. و از وی دو پسر بماند
یکی ابوالقاسم محمد بن فضل که از فضلا و ادباء زمان خود
بر سر آمد و به قول عتبی مورخ حرقه حرفت ادب درو رسید
و در جوانی فرمان یافت و برادرش، صاحب این ترجمه،
بماند و وجیه گشت و از جانب سلطان مدتی عمل جوزجانان
و چندی عمل کوره نسا با وی بوده. مردی فاضل و کریم و
خواجهای وجیه و محترم و نشان بزرگی وی همین قصیده
استاد است. حرره ملک الشعراء بهار غفر له

[۳۶۴-۴۴۰] همانگهی که بخوشی به من سپردی دل

چو دل نباشد جان را چه کرد خوام من

کنون که حال چنین شد چه بازخواهی دل

چه اوفتاد که دل بازخواستی از من

بهار در نسخه با گذاشتن علامت ضربدر (X) به درستی
مشخص کرده که جای مصراعها باید تغییر کند، یعنی
مصراع نخست بیت اول با مصراع دوم بیت دوم و مصراع
نخست بیت دوم با مصراع دوم بیت اول باید روبروی هم
قرار بگیرد. دبیرسیاقی متوجه عدم تناسب مصراعها نشده
و هیچ تغییری در جایگاه اشعار نداده است. این را نیز
بیفزایم که در چاپ دبیرسیاقی، در ابتدای بیت نخست،
عبارت «هم آن کسی» است، در حالی که ضبط نسخه بهار،
یعنی «همانگهی»، از نظر معنایی مرجح است به چاپ
دبیرسیاقی. البته که «همانگهی» در کتابت کاتبان می توانسته
به «همانکسی» تصحیف شده باشد.

[۳۶۴-۴۴۰] چو مهربانان در پیش من نهادی دل

نبرد و برد دلم جز به مهربانی ظن

- ظ: نبرده بود

دبیرسیاقی: نبرد و برد. ضبط دبیرسیاقی نامفهوم و غلط

است و آنچه بهار حدس زده صحیح است.

[۳۶۵-۴۴۱] ترا ز من همه چون بندگی نمودن هست

مرا ز تو همگی درد و رنج و خواری نه

- ظ: مرا ز تو همه جز درد

دبیرسیاقی: مرا ز تو همه جز درد و رنج و خواری نه. حدس

بهار دقیقاً با تصحیح دبیرسیاقی همانند است.

[۳۶۹-۴۴۶] در کرده خویش مانده ای ای درویش

کس چون کندی فزون ز اندازه خویش

- ظ: چه

دبیرسیاقی: چه.

منابع

- آیدنلو، سجّاد (۱۳۸۵). «بهار و تصحیح شاهنامه». در:
ارج نامه ملوک الشعراء بهار. به کوشش علی میرانصاری.
تهران: میراث مکتوب. ص ۲۸۱-۲۹۵.
- ابن جوزی، ابی الفرج عبدالرحمن بن علی (بی تا). اخبار الحمقی
و المغفلین. بیروت: المکتب التجاری للطباعة و النشر.
- برهان، محمدحسین بن خلف تبریزی (۱۳۹۳). برهان
قاطع. به اهتمام محمد معین. تهران: امیرکبیر.
- بهار، ملوک الشعراء (۱۳۱۴) ← تاریخ سیستان (مقدمه)
- بیهقی، ابوالفضل. تاریخ بیهقی. نسخه شماره ۳۱۳۹
محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی. کتابت داود
بن میرزا محمدتقی همدانی.
- _____ (۱۳۸۸). تاریخ بیهقی. به تصحیح
محمدجعفر یاحقی و مهدی سیدی. تهران: سخن.
- قزوینی، محمد (۱۳۹۱). بیست مقاله قزوینی. به اهتمام
ابراهیم پورداود و عباس اقبال آشتیانی. تهران: اساطیر.
- تاریخ سیستان (۱۳۱۴). تصحیح ملوک الشعراء بهار.
تهران: خاور.
- چترایی، مهرداد (۱۳۹۰). «حواشی ملوک الشعراء بهار بر
دیوان جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی». آینه میراث،
ش ۴۹: ۹۹-۱۳۲.
- حبیبی، عبدالحی (۱۳۴۷) ← گردیزی، ۱۳۴۷ (مقدمه)
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۹). لغت نامه. تهران: دانشگاه تهران.
- راستکار، فخری (۱۳۴۷). فهرست کتابخانه مجلس شورای

- ملّی. جلد هشتم. تهران: کتابخانه مجلس.
- فرّخی سیستانی. دیوان. دستنویس ش ۲۴۷۰ کتابخانه مجلس، کتابت ملک الشعراء صبوری.
- _____ . دیوان. دستنویس ش ۲۴۷۲ کتابخانه مجلس، کتابت عبرت نائینی.
- _____ (۱۳۷۱). دیوان. به تصحیح محمد دبیرسیاقی. تهران: زوار.
- گردیزی، ابوسعید عبدالحیّ بن الضحاک بن محمود
- (۱۳۴۷). زین الاخبار. به تصحیح عبدالحیّ حبیبی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- نویدی ملاطی، علی (۱۳۹۵). «یادداشت‌های ملک الشعراء بهار بر دیوان عنصری و دیوان منوچهری». در: سخن عشق، جشن‌نامه دکتر حسن انوری. به‌خواستاری علی‌اشرف صادقی و محمود عابدی. تهران: سخن.
- یاحقی، محمدجعفر، مهدی سیدی (۱۳۸۸) ← تاریخ بیهقی (مقدمه)

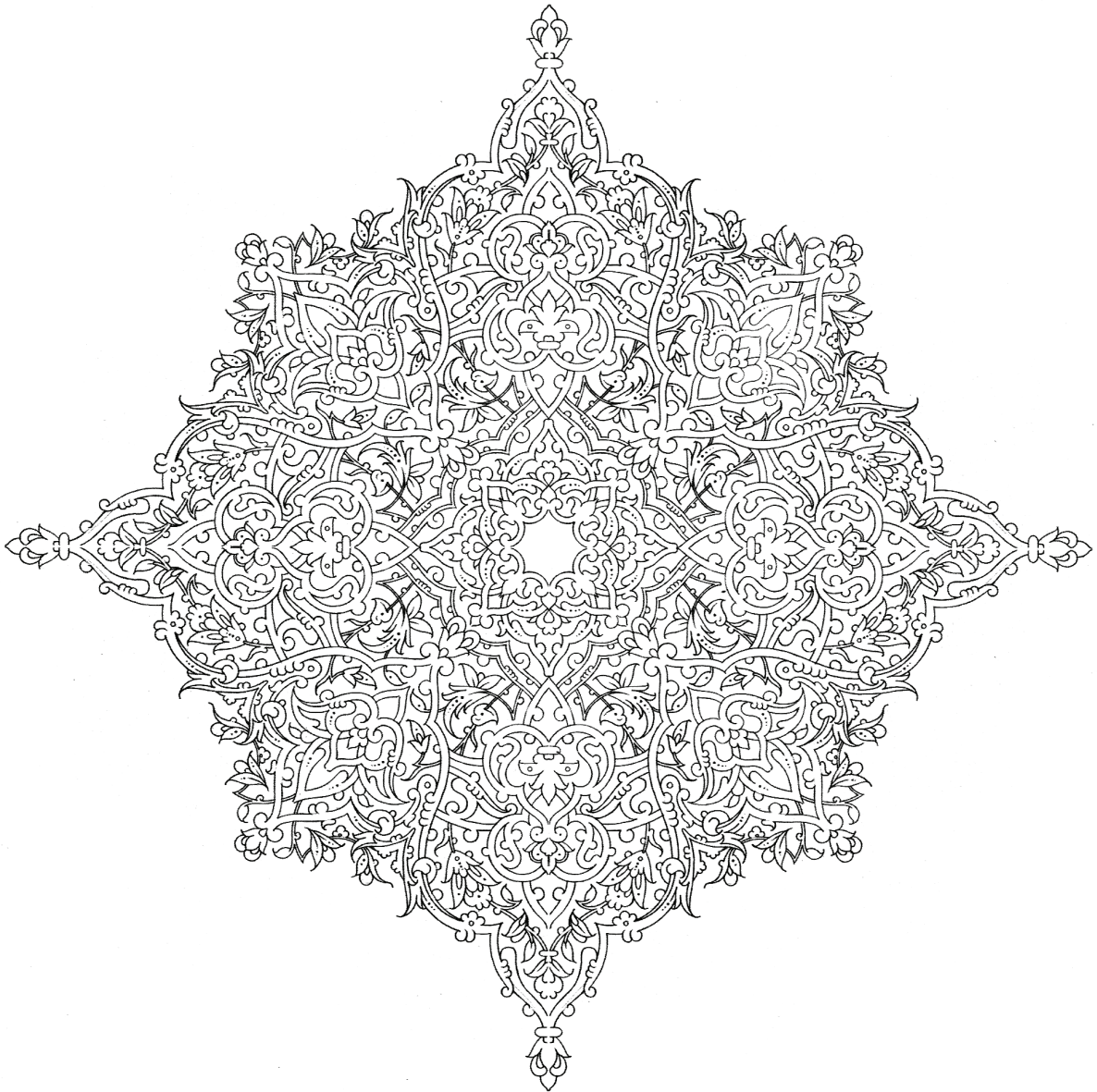


Table of Contents

Editorial

In Thirty Years, I've Withstood Great Misery's Thrust/ To Save Persian literature, a Treasure Robust 5-6

Articles

Bāftāba/ Pāftāba/ Pāftāwa / Ali Ashraf SADEGHI 7-8

Shahname Studies Notes III / Abolfazl KHATIBI 9-15

A Relic of Imam Reza's Presence in the Great Mosque of Sāveh / Emadoddin SHEYKHOLHOKAMAEI 16-18

Nukhbat al-Wuzarā Treatise, Penned by Naṣr Allāh-i Damāwandī / Ghasem GHARIB 19-26

A Few Remarks on the Introduction of the Facsimile Edition of *Tārīkh-i Sīstān* II / HamidReza (Babak) SALMANI; Arash SERRI 27-29

Dumanīān/ Dūmanīān/ Dumanī/ Dūmanī / J. T. NAJAND (Soroush) 30-31

The *Dīvān* of Farrukhī-yi Sīstānī Copied by 'Ebrat-e Nā'īmī, Annotated by Malek al-Šo'arā Bahār / Mahmoud ALIPOUR 32-41

The Inscription of Shah 'Abbās II's Chihil Sutūn, Composed by Muḥammad Bayg-i Furṣat / Fatemeh BOUJAR 42-48

Editing of an Extant Qaṣīde by Šu'ūrī-yi Kāšānī in the Anthology of Ibn-i Khātūn / Ali KAMELI 49-52

On the Word *Rukhum* / Mohsen ZAKEROLHOSEYNI "Parand" 53-57

Did Nāṣir-i Khusraw write *Gušāyīš wa Rahāyīš* (Knowledge and Liberation)? / MohammadReza TAVAKKOLI SABERI 58-63

Reviews and Critiques

A Review of the Edition of *Badāye' al-Mulah* (Droll Novelties) / Milad BIGDELOU 64-78

A Review of the *Kullīyyāt-i* (collected works of) 'Ubayd-i Zākānī Edited by Mohammad Jafar Mahjoub / Mohsen SHARIFI SAHI 79-83

A Look at *The written world of God* / Reyhane BEHBOUDI 84-92

Essays on Research

A Proposal for Organizing Dissertations on Text Editing / Seyyed MohammadReza EBNORRASOUL 93-105

Iran in Ottoman Texts and Sources (25)

Works of Mustafa 'Āli Efendi / Nasrollah SALEHI 106-108

Introducing Codicologists and Textual Scholars (6-7)

Oleg Fedorovich Akimushkin / Majdoddin KEYVANI 109-113

A Shining Gem in This Earthly Sphere: In memory of J.T.P De Bruijn / AliAsghar SEYED-GOHRAB 114-123

On the Previous Articles

A Response to AliReza Hasheminejad's Review of the New Edition of *Širāf al-Khaṭf* (The Principle of Calligraphy) / Ali SAFARI AQ-QALEH 124-130